

تصویر مربوط به قبل از کرونا است



اتفاق نظر دبیران در خراسان شمالی

«دین و زندگی» دانش آموزان یعنی موفقیت در کنکور!

رضانعلی ابراهیمزاده گرجی
مهدی مروجی

دین و زندگی پایه یازدهم برگزار می شود. پس آنچه را در انتقاد، پیشنهاد، تصحیح، تلطیف، کاهش، افزایش، کمیت و کیفیت، این کتاب طی تدریس، تجربه کرده اید، یا از سوی همکاران دیگر که در این جلسه حضور ندارند یا دانش آموزان و اولیای آنان به هر دلیلی مطرح شده است، بیان کنید تا در تغییرهای بعدی با هدف بهبود و بهینه سازی محتوای کتاب و با هدف آموزش بهتر از آن ها استفاده شود.

سؤال اول: در تغییر و تحول مطالب و عنوان های کتاب و درس، برخی از عنوان های میان متنی اضافه شده اند؛ مثل «تکمیل کنید»، «فعالیت هایی که با علامت مشخص شده اند»، «بیشتر بدانیم»، «دانش تکمیلی» و... آیا این عنوان ها به یادگیری و آموزش بهتر دانش آموزان کمک می کنند؟ اگر نه، چرا؟ چه پیشنهادی دارید؟

بسطامی: این تغییرات مثبت به حساب می آیند. حتی بنده به مؤلفان کتاب درسی پیشنهاد کردم که برای کتاب پایه دهم نیز این کار را انجام بدهند و موارد آن را مشخص کردم. اما باید واقع بینانه به امور بنگریم که با چه هدفی این موارد و عنوان ها آمده اند؟ هدف جز این است که در آموزش به آن ها

در «بجنورد»، مرکز استان خراسان شمالی، در مجتمع فرهنگی رفاهی اداره کل آموزش و پرورش با جمعی از دبیران این خطه در خصوص کتاب دین و زندگی پایه یازدهم به گفت و گو نشستیم. حاضران عبارت بودند از سرکار خانم عفت بسطامی سرگروه دین و زندگی استان، و آقایان صادق ملکشی، حسین مهرافزون، حمیدرضا صبوری، مقصود مرادخواهی، نورصحت محمدی، بهرام سرفراز روئین، محمد داداری، محمد صمدی، محمدقاسم اسلامی و علی تفریحی. البته گفت و گوی دبیران خواهر شهرستان بجنورد قبلاً تقدیم خوانندگان عزیز شده است.

● لازم می دانم عرض کنم، جلسه برای دریافت آرا شما درباره کتاب

توجه شود؟ مگر معلم چقدر وقت دارد؟ ضمن اینکه قرائت قرآن را هم داریم. با آنکه این تغییر را مثبت می‌دانم، ولی باید به درصد تحقق هدف در کلاس درس توجه داشت.

ملکشی: این بخش‌هایی که نام بردید، همان‌طور که خانم بسطامی فرمودند، برای دانش‌آموزان مفیدند، ولی مشکلاتی وجود دارد: اول اینکه، باید مباحث آن را تا حدی محدودتر کنند تا از حالت کلی‌گویی در بیاید.

● لطفاً حداقل یک مورد با ارجاع به صفحه و درس، مصداقی بفرمایید.

ملکشی: مثلاً در «اندیشه و تحقیق» صفحه ۴۵ کتاب دین و زندگی علوم انسانی داریم: «به نظر شما، چرا اندیشه دانشمندان به مرور زمان تغییر می‌کند؟»

یا: «سؤال ۲. با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید...» متن خیلی گسترده و با شرح و تفصیل است که دانش‌آموز را خسته می‌کند.

دوم اینکه در آزمون سراسری (کنکور) بچه‌ها دچار مشکل می‌شوند، زیرا سؤالات را پیچیده طرح می‌کنند.

سوم اینکه به دلیل ریز بودن حروف، مطالب چشم‌نواز نیستند، با آنکه کلی مطلب (دو پاراگراف) را در خود دارد. می‌شود سؤالات را خیلی کوتاه و مطالب را مختصر و مفید آورد. یا در سؤال ۱، شما فقط نام یک دانشمند را به‌عنوان نمونه و مصداق بیاورید و شرح دهید چرا اندیشه این دانشمند به مرور زمان تغییر کرده است.

صمدی: می‌خواهم عرض کنم: در این بخش سؤال‌هایی مطرح شده‌اند که چندان ذهن دانش‌آموزان را درگیر اندیشیدن و تحقیق نمی‌کنند. چرا؟ زیرا در اکثر موارد، دانش‌آموزان پاسخ به این سؤالات را به‌صورت طوطی‌وار حفظ می‌کنند. کاربرد قسمت‌هایی مثل «بررسی کنید» یا «مطالعه کنید» هم برای دبیران معلوم نیست. زیرا سازمان سنجش این قسمت‌ها را حذف کرده است، وقتی دانش‌آموز می‌بیند که در کنکور سؤالی از این قسمت نمی‌آید، رغبتی هم به آن‌ها نشان نمی‌دهد.

● برای انیس بیشتر دانش‌آموزان با قرآن، خواسته شده است ۱۰ دقیقه اول هر وقت کلاس به قرائت اختصاص یابد. آیا به این توصیه عمل می‌کنید؟ اگر

این کار را نمی‌کنید، دلیل آن را بفرمایید. **مرادخواهی:** در خیلی از کلاس‌ها نسبت به قرائت قرآن کریم کم‌لطفی می‌شود. زیرا همه، از یک بچه مسلمان انتظار داریم که بتواند حداقل قرآن را روان و درست بخواند. متأسفانه در مدرسه خیلی کم شاهدیم که این انتظار برآورده شود. در مورد اکثر دانش‌آموزانی که حافظ قرآن می‌شوند و در قرائت قرآن در زمره نفرات اول استان قرار می‌گیرند، آموزش مدرسه سبب چنین پیشرفتی نشده است، بلکه در ساعت غیرآموزشی مدرسه، برای این کار وقت گذاشته‌اند. این ایراد به نظام آموزشی بازمی‌گردد که چرا دانش‌آموزی که به دانشگاه رفته است، هنوز به صورت روان نمی‌تواند قرآن را قرائت کند؟!

اسلامی: بنده از خیلی وقت پیش، این مورد را به خود دانش‌آموزان محول کرده‌ام. البته دو تا سه درس اول به توصیه قرائت قرآن عمل کردم، ولی بعد از آن نتوانستم، زیرا مطالب تفصیلی در کتاب خیلی زیادند. بنده در مدارس خاص تدریس می‌کنم. در این مدارس سؤال‌های تستی می‌آورند که وقت‌گیرند. گرچه دانش‌آموزان به اصطلاح تیزهوش در روان‌خوانی خوب‌اند، ولی به صحیح‌خوانی هم باید توجه داشت. بنده برای امتحان نوبت اول و نوبت دوم، حداقل سه تا چهار جلسه جبرانی می‌گذارم تا برسم به حدنصابی که برای امتحان هر نوبت تعیین شده است. خیلی وقت کم می‌آورم.

ملکشی: روخوانی قرآن را برای دوره ابتدایی گذاشته‌اند. بعد در دوره دوم متوسطه هدف را تدبیر در آیات قرآن قرار داده‌اند. اگر بخواهیم این هدف را دنبال کنیم، آن ۱۰ دقیقه در حاشیه قرار می‌گیرد. ۱۰ دقیقه قرائت را گذاشته‌اند تا دانش‌آموزانی که در دوره ابتدایی یا راهنمایی به‌خوبی نتوانسته‌اند بر روخوانی و روان‌خوانی مسلط شوند یا ضعف دارند، جبران کنند. پیشنهاد می‌کنم، حالا که برخی از مباحث درس، مثل تفکر، در دبیرستان کارایی لازم را ندارند و فقط «برنامه پرکن» به حساب می‌آیند، به جای این‌ها و آن ۱۰ دقیقه قرائت قرآن، دو ساعت به‌عنوان برنامه تکمیلی به قرائت قرآن اختصاص یابد. باید تأسف خورد که در کشور اسلامی، دو ساعت برای آموزش قرائت قرآن دانش‌آموزان در نظر نمی‌گیرند. در

در خیلی از کلاس‌ها نسبت به قرائت قرآن کریم کم‌لطفی می‌شود. زیرا همه، از یک بچه مسلمان انتظار داریم که بتواند حداقل قرآن را روان و درست بخواند



بسطامی:
دانش آموزان بیشتر با رسم الخط عثمانی طه سروکار دارند و این رسم الخط، جذابیت خاصی دارد. با توجه به استفاده دانش آموزان از رسم الخط عثمانی طه در بیرون کلاس، بهتر بود از همین رسم الخط در نگارش آیات قرآن کریم در کتاب درسی استفاده می‌شد

کشورهای عربی هر دانش‌آموز یک جلد قرآن اختصاصی دارد که از دوره ابتدایی تا دانشگاه با اوست.

• به نظر شما رسم الخطی که آیات قرآنی کتاب را با آن نوشته‌اند، قابل خواندن است؟ آیا در یادگیری راحت‌تر قرآن تأثیری دارد؟

بسطامی: دانش‌آموزان بیشتر با رسم الخط عثمانی طه سروکار دارند و این رسم الخط، جذابیت خاصی دارد. با توجه به استفاده دانش‌آموزان از رسم الخط عثمانی طه در بیرون کلاس، بهتر بود از همین رسم الخط در نگارش آیات قرآن کریم در کتاب درسی استفاده می‌شد.

تفریحی: رسم الخط خوبی است. البته می‌توان با تدابیری این رسم الخط را خواناتر کرد. با فونت (اندازه) حروف رسم الخط عثمانی طه، اما در نگارش با شیوه ایرانی. اینکه علائم اضافی را حذف کرده‌اند، فکر می‌کنم، این شیوه را به شیوه نگارش عثمانی طه نزدیک کرده و سبب شده است، دانش‌آموز با قرآنی که به شیوه عثمانی طه چاپ شده، مشکلی نداشته باشد.

بسطامی: همکاران پیشنهاد کرده بودند که از قلم‌های قرآنی استفاده شود، پیگیری هم کردیم، ولی برای این آیات که داریم باید قلم قرآنی خاصی باشد.

صمدی: با نوع حرکت‌گذاری آیات کتاب موافق نیستیم. در زبان عربی ما چهار علامت داریم: فتحه، کسره، ضمه و سکون. در کتاب اصلاً علامت ساکن نیامده است و آن را حذف کرده‌اند. غیر از این در برخی از موارد، حرکت‌های اصلی مثل فتحه، کسره و ضمه را حذف کرده‌اند که برای دانش‌آموز قابل تشخیص نیست. این موارد باید تصحیح شوند؛ برای مثال، در صفحه ۳۲، آیه ۳۳ واژه «تولون».

ملکشوی: آیات کتاب درسی، در حقیقت تصویری از قرآن کامل چاپ شده جمهوری اسلامی ایران است و تمام حرکات و علائم غیرلازم حذف شده‌اند. دانش‌آموزان از دوره ابتدایی با همین شیوه نگارش و اعراب‌گذاری مأنوس‌اند و اصل آن نیز بر ساده‌خوانی است. فتحه نیامده در «تولون» به این دلیل است،

که ضرورتی ندارد.

تفریحی: با حذف سکون از رسم الخطها مخالفم؛ گرچه قصد آن‌ها خیر است و کوشیده‌اند به رسم الخط فارسی شبیه‌تر شود و برای دانش‌آموزان هم بهتر است. حذف سکون، گذشته از محاسن، معایبی هم دارد به‌ویژه در جاهایی که حروف ناخوانا بین دو کلمه قرار می‌گیرند، تشخیص اینکه این حرف به کدام حرف بعدی بچسبد، دانش‌آموز را دچار مشکل می‌کند؛ حرف شمسی یا حرف قمری، به نظرم سکون باشد، همان‌طور که در کشورهای عربی از این علامت استفاده می‌کنند. بودن آن هم ربطی به زیاد شدن علائم ندارد، ولی وجود آن باری را از ذهن دانش‌آموز برمی‌دارد.

• آیا آیات کتاب درسی، در دانش‌آموزان تمایل و شوق به وجود می‌آورند که آنان هر روز آیاتی از قرآن را خارج از برنامه درسی به تنهایی و یا با اهل خانه و دوستان بخوانند؟

تفریحی: خیر! انس با قرآن به وجود نمی‌آورد، زیرا مشوق‌های لازم وجود ندارند. مشوق می‌تواند بخشی در کتاب و بخشی توسط معلمان ارائه شود که هر دو مورد را نداریم.

داداری: می‌دانید که دانش‌آموز کلاس یازدهم، فکری جز کنکور ندارد و آیات موجود در کتاب را فقط برای چهار نمره‌اش می‌خواند. الان نظام آموزشی در مسیری قرار گرفته که از درس «دین و زندگی» انتظاراتی دارد که شاید یک درصد آن محقق نشود. خب این وضع من معلم را دچار عذاب روحی می‌کند. به این دلیل که دانش‌آموز می‌گوید: نیاز به توضیح شما نداریم. ما فقط می‌خواهیم تست کار کنیم. با این وضعیت، آیا دانش‌آموز با رغبت در خانه قرآن می‌خواند؟! آن هم روزانه! این مشکل با ساعت مجزایی که دوستان می‌فرمایند، رفع‌شدنی نیست. گرچه بنده با چنین پیشنهادی موافقم و آن را خوب می‌دانم.

• در کتاب، بخشی به نام «تفکر و تدبر» داریم که به آیات نظر دارد.

بخشی نیز بخش «اندیشه و تحقیق» است. آیا این بخش‌ها، زمینه مناسبی برای خو گرفتن دانش‌آموزان با تفکر و اندیشیدن، و تحقیق و پژوهش می‌شوند؟

ملکشی: مناسب اما کم است. در کتاب به دلیل ارتباط آیات با هم، آن‌ها بیشتر مورد تحقیق قرار می‌گیرند. این‌ها نمونه‌هایی هستند که ما باید براساس آن‌ها و به همین روش، موارد دیگر را برای تحقیق مطرح کنیم، چون آیات هر درس با موضوع آن مرتبط هستند؛ در هر جلسه در ابتدای کلاس، با دانش‌آموزان آیات را تمرین می‌کنیم، و بعد می‌شود به آنان فرصت داد که خودشان به تدبیر درباره آیات بپردازند. لذا خوب است که در کتاب‌های دهم و یازدهم هم، مثل کتاب پیش‌دانشگاهی این بخش‌ها بیشتر شوند.

تفریحی: پاسخ به سؤال شما دو جنبه مثبت و منفی دارد؛ یعنی بستگی به کیفیت کار دبیر دارد. اگر دبیر در استخراج نکات تدریسی، تخصص نسبی داشته باشد، جواب مثبت است. در غیر این صورت جواب منفی است. در مورد اول لازم است که دبیر از روش‌های تدبیر برای ترغیبشان به این مهم بهره بگیرد. این آیات می‌توانند برای بچه‌ها بسیار جذاب باشند. به قول استاد قرآنی، این آیات مثل شکرند، اگر یک‌دفعه در حلق کسی بریزیم، امکان دارد خفه‌اش کند. ولی اگر آن‌ها را در آب حل کنیم، آن وقت از خوردنش لذت می‌برد. نکات تدریسی نیز برای دانش‌آموزان چنین ویژگی را دارند. لذا دبیران محترم باید تدبیرآموزی را آموزش ببینند؛ که کار آموزش‌وپرورش است.

• آیا باید در مورد شیوه‌های تدبیر دوره آموزشی گذاشت؟

بسطامی: اگر آموزش مجازی یا آموزش ضمن خدمت باشد، خوب است. البته آموزش مجازی را به این دلیل اولویت دادم که: برای آموزش ضمن خدمت، با مشکلات زیادی مواجه هستیم. بخش تدبیر کتاب دین و زندگی جدید با قبلی تفاوت دارد. دین و زندگی قبلی در این زمینه این خوبی را داشت که آیاتی را برای ترجمه آورده بود. در کتاب جدید این نقص کاملاً احساس می‌شود. حتی برخی از آیات اصلی هم حذف شده‌اند که مربوط به درس و کاربردی بودند و نمی‌دانم چرا حذف کرده‌اند!

• آیات و عنوان‌های این کتاب تا چه حد با نیازهای امروزی دانش‌آموزان هماهنگی و تطابق دارند؟

صبوری: یک مطلب اساسی که دانش‌آموزان با آن درگیرند، شبکه‌های مجازی است، که مسئله روز است. دانش‌آموزان با انواع سایت‌ها در ارتباط‌اند. متأسفانه در هیچ قسمتی از کتاب نمی‌بینیم که درباره تعاملات اجتماعی، از جمله از طریق همین فضای مجازی، مطلبی باشد؛ در حالی که نیاز مبرم امروز زمانه ماست.

سرفراز روئین: در کتاب به یک سلسله از نیازها یا اصلاً توجه نشده یا خیلی کم به آن‌ها اشاره شده است. اوضاع امروز جامعه را می‌بینیم، احتکار، کم‌فروشی و ربا را داریم، اما در طول دوره آموزش مدرسه، هیچ حدیثی درباره احتکار نداریم؟ دانش‌آموز کجا باید یاد بگیرد؟

(همه حضار می‌گویند: ما ندیدیم. در کتاب نداریم.)

اسلامی: به نظر من، بهترین درس کتاب دین و زندگی پایه یازدهم، درس «عزت‌نفس» است. درس بسیار شیرینی است و دانش‌آموز هم از آن لذت می‌برد.

بسطامی: کتاب‌های درسی ما همیشه از جریان جامعه عقب‌اند.

اسلامی: معلم دینی باید هم جواب‌گوی دانش‌آموزان باشد و هم جواب‌گوی دیگر همکاران در مدرسه. این‌ها فضای مدرسه را عوض می‌کنند. تخصص در آموزش و درس کتاب، بخشی از موضوع است و تسلط بر روی مسائل و نیازهای روز، بخش دیگر آن است. باید در این‌باره فکری اساسی و عملیاتی بشود.

• آیا شیوه ارزشیابی مطرح از طرف مؤلفان، با توجه به کار میدانی شما، شیوه‌ای مناسب است و با واقعیت‌هایی که با آن‌ها مواجه هستید، هم‌خوانی دارد؟ اگر ندارد چه پیشنهادی دارید؟

ملکشی: شیوه ارزشیابی که در مقدمه این کتاب آمده، با ارزشیابی کتاب دین و زندگی از رده خارج شده، متفاوت است. ترجمه آیات، تدبیر در آیات، ارتباط آیه و حدیث که در گذشته بود، در این کتاب یا نیست یا کم شده است. اگر ترجمه آیات کمتر باشد، برای ارزشیابی بهتر می‌شود. افزودن دو ساعتی که قبلاً در این جلسه اشاره شد، برای ارزشیابی درست

به نظر من،
بهترین درس
کتاب دین و
زندگی پایه
یازدهم، درس
«عزت‌نفس»
است. درس
بسیار شیرینی
است و
دانش‌آموز هم
از آن لذت
می‌برد



معلم چگونه
سؤال طرح
کند و اصلاً
چه نوع سؤالی
را طرح کند
که دانش آموز
مجبور نباشد
کتاب را چندبار
بخواند و آن را
حفظ کند؟

لازم است. چهار نمره قرائتی که باید دانش آموز در امتحان بگیرد، بدون افزایش ساعات کلاس ممکن نیست. آزمون‌ها، مناسبت‌ها و گاهی تعطیلات از وقت کنونی می‌کاهند. در نتیجه مشکل کمی وقت، به ارزشیابی درست و دقیق هم سرایت می‌یابد.

بسطامی: بنده قبلاً درباره ارزشیابی، نقد مکتوبی را برای دبیرخانه فرستاده‌ام که از جمله در بند دوم آن نوشته‌ام: «ارزشیابی مستمر». انجام فعالیت‌های داخل درس و پرسش از متن، برای دانش‌آموزان پایه یازدهم انسانی و تجربی، با اختصاص هشت نمره مطلوب است. در بند چهارم هم آورده‌ام: «برای پاسخ به سؤال‌های بخش اندیشه و تحقیق، اختصاص سه نمره در پایه یازدهم مطلوب است، زیرا محتوای آن سنگین است.»

در بند اول درباره چهار نمره «قرائت آیات قرآن کریم» و در بند سوم درباره «مشارکت در کار گروهی و گفت‌وگو» پیشنهاد داده‌ام که به «درک مفاهیم و مشارکت در کار گروهی» تبدیل بشود که جنبه‌های استعدادی دانش‌آموزان در آن دقیق‌تر لحاظ شده است.

بزدانی: مطلب دیگری که با ارزشیابی بی‌ارتباط نیست، به کتاب «ضمیمه اهل سنت» بازمی‌گردد. گفته‌اند که از درس هفتم تا درس پانزدهم برای مناطق اهل سنت تدریس شود، لذا با چالش بزرگی روبه‌رو هستیم و آن کنکور است. زیرا در کنکور سؤال از کتاب اصلی طرح می‌شود و از «کتاب ضمیمه» در کنکور استفاده نمی‌شود. به این دلیل، دانش‌آموز رغبتی به کتاب ضمیمه نشان نمی‌دهد. خود دانش‌آموزان به ما پیشنهاد داده‌اند که خودشان کتاب ضمیمه را مطالعه می‌کنند تا از کنکور و ارزشیابی مدرسه که کتاب اصلی منبع و مأخذ کار است، عقب نمانند و تدریس روی همان کتاب اصلی انجام شود. اما منصفانه این است که با توجه به کتاب ضمیمه، در کنکور سؤال‌هایی برای دانش‌آموزان اهل سنت از این کتاب طراحی شود تا مشکل ما در کلاس هم رفع شود.

مرادخواهی: در سخنی با دبیران که در ابتدای کتاب آمده است، در بند ۲ نوشته‌اند: «روش تدریس و ارزشیابی ما نباید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان مجبور باشند کتاب را چندبار بخوانند و حفظ کنند. سؤال بنده این است: «آن امتحانی با اهداف درس هماهنگ

است که امکان تحقیق و... فراهم آورد» وقتی بسترسازی لازم انجام نشده است، معلم چگونه سؤال طرح کند و اصلاً چه نوع سؤالی را طرح کند که دانش‌آموز مجبور نباشد کتاب را چندبار بخواند و آن را حفظ کند؟ دانش‌آموز، هم برای کنکور و هم برای ارزشیابی پایانی مدرسه، کلمه به کلمه کتاب را حفظ می‌کند و غیر از این هم نیست. به نظرم این جمله اول کتاب باید حذف شود.

محمدی: پیرو صحبت‌های خانم بسطامی، بخش فعالیت‌های فوق‌العاده که دو نمره دارد، به فعالیت‌های کتاب و درس محدود نشود. هدف‌های درس دینی باید در رفتار دانش‌آموز متجلی شوند. اگر معلم احساس کند که آنچه دانش‌آموز در کتاب و درس دینی خوانده، در رفتارش تجلی پیدا کرده است، باید برای این دانش‌آموز امتیاز و نمره مثبت در نظر بگیرد. مثلاً حضور در نماز جماعت، برداشتن تکه نانی که در کلاس یا مدرسه افتاده، و بوسیدن و کنار گذاشتن آن، یا کمک به یک دوست، از جمله رفتارهایی هستند که تجلی آموزه‌های دینی را در دانش‌آموزان نشان می‌دهند. این دانش‌آموزان باید به نوعی تشویق شوند.

● اگر نویسنده کتاب بودید، به چه موضوع‌هایی در کتاب دین و زندگی می‌پرداختید و چرا؟ بنده یک وقت پیشنهاد دادم که یک صفحه سفید در کتاب باشد که در آن صفحه، هر دانش‌آموز یک درس موردنظرش را پیشنهاد دهد و تشریح کند. اگر شما هم موافق هستید، در این باره هم اظهار نظر بفرمایید.

محمدی: ما در دانشگاه دو واحد درس اخلاق گذراندیم. خیلی درس شیرینی بود. کاش در کتاب دین و زندگی هم این کار می‌شد.

● در آخر کتاب، درس «عزت نفس» آمده است.

محمدی: خوب، همین درس عزت نفس چقدر شیرین است! این یک درس کم است و باید اضافه شود. چه لزومی دارد که درباره اعتقادات چندین درس در کتاب باشد، ولی موضوع اخلاق را کم‌رنگ کنیم؟ در حالی که اخلاق مددکار اعتقادات است و آن را در فرد تقویت می‌کند. **تفریحی:** به نظرم باید به موضوع‌هایی که



نویسنده باشم، با توجه به اینکه کتاب درسی برای دانش‌آموزان است، باید موضوعها حمایتی و با مسائل روز ارتباط داشته باشند.

اضافه کنم، کتاب دین و زندگی عملی و اجرایی نیست. کار ما فقط نظری است و کار عملی نمی‌کنیم. بنده امسال تجربه‌ای کردم. به بچه‌ها گفتم: در قالب انشا هر گونه که دوست دارند، با من معلم حرف بزنند و یک کار نیک از خودشان یا از پدر و مادرشان بنویسند و بیاورند. نوشته‌های جالبی برایم آوردند و تعدادی را برای دبیرخانه فرستادم. زیرا توسعه و ترویج اخلاق‌مداری و اخلاق دینی، وظیفه و رسالت معلم دینی است. با «روزنامه خراسان» صحبت کردم تا برخی از نوشته‌های بچه‌ها را چاپ کند.

برخی از اقدام‌ها، زمانی را از معلم نمی‌گیرند. از جمله، به دانش‌آموزان گفتم: درباره معاد هر چه می‌خواهید و یاد گرفته‌اید، برایم بنویسید. این نوع کارها بسیار مؤثرند. براساس تجربه‌های مفید خود در تعامل با دانش‌آموزان می‌گویم: بچه‌ها باید در عمل درگیر شوند.

داداری: برخی از دانش‌آموزان (بچه‌های دبیرستان از دختر و پسر، به داشتن دوست از جنس مخالف علاقه‌مندند (در فرهنگ غیراسلامی)). به نظرم بهتر بود که درباره ازدواج در پایه‌های پایین‌تر کار بشود تا دانش‌آموز دوره راهنمایی (متوسطه اول) با ازدواج و شرایط و وضعیت آن زودتر آشنا شود و در دبیرستان، از جمله درباره تربیت فرزند آموزش ببیند. وقتی کتاب‌های دهم، یازدهم و دوازدهم را کنار هم قرار می‌دهیم، می‌فهمیم که مؤلفان در حقیقت می‌خواسته‌اند به توسعه اعتقاد دانش‌آموزان

دانش‌آموز را برای زندگی آینده آماده می‌کند هم توجه کرد. برای مثال، دانش‌آموز باید بداند، وقتی فردا پدر یا مادر شد، چگونه باید فرزندش را تربیت کند. از جمله نام‌گذاری بچه‌هاست. اهمیت نام‌گذاری را دانش‌آموز باید در مدرسه یاد بگیرد. البته باید نیازهای روز را هم در نظر بگیریم.

ملکشی: کتاب دین و زندگی پایه یازدهم، درس «نبوت و امامت» را در دو بخش آورده است و در بخش آخر آن، عزت‌نفس و ازدواج را قرار داده‌اند. اگر بخواهیم اضافات این کتاب را بشماریم، به‌نظرم درس هیجدهم «پیوند مقدس» زود هنگام است. این درس باید به سال دوازدهم برود. نکته دیگر این است که بچه‌ها نمی‌توانند اسم امامان را به ترتیب بگویند. لذا خوب است درباره زندگی پیغمبر (ص) و امامان (ع) نکات لازم در کتاب بیاید.

بسطامی: من از صحبت‌های آقای ملکشی الهام می‌گیرم. بنده کتاب‌های دوره اول متوسطه را با کتاب دوره دوم متوسطه مقایسه کردم. خیلی از واژگان و اصطلاحات به کار رفته در کتاب‌های دوره اول، با آنچه بچه‌ها در دوره متوسطه دوم می‌خوانند تناسب بسیاری دارد. لذا اگر دانش‌آموز تیزهوش و دقیق، به این موارد در دوره اول متوسطه توجه کند، در دوره دوم متوسطه فوق‌العاده دچار تکرار می‌شود. در دوره اول متوسطه دانش‌آموز درباره معاد، امامت و حتی درباره حضرت مریم (س)، با رویکرد ساده‌تر خواننده است. چرا در دوره دوم متوسطه مشکل دارد و به اصطلاح لنگ می‌زند؟! آیا جریان آموزش مناسب نیست؟ آیا پای تدبیر می‌لنگد؟ باید روی این مورد پژوهش شود؟ اما اگر

به نظرم باید
به موضوع‌هایی
که دانش‌آموز
را برای زندگی
آینده آماده
می‌کند هم توجه
کرد. برای مثال،
دانش‌آموز باید
بداند، وقتی
فردا پدر یا مادر
شد، چگونه
باید فرزندش را
تربیت کند



کمک کنند. اما حذف برخی از آیات تخصصی ایراد کار است. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در خانواده‌ها این است که والدین می‌آیند و می‌گویند: پسرم پرخاشگر است. آیا کتاب دین و زندگی چیزی ندارد که از این رفتارها با تذکر جلوگیری کند؟

● دربارهٔ کنکور هم اگر نظری دارید، بفرمایید.

سرفراز روئین: در کتاب‌های پایه‌های اول، دوم، سوم و پیش‌دانشگاهی گذشته، تدبیر، ارتباط حدیث با آیه یا آیات تحلیلی بیشتر بود و در کنکور براساس همین موارد، سؤالات مشخصی را طرح می‌کردند. ولی اگر بخواهند به همان ۵۰ تا ۶۰ درصدی که به آیات و روایات در کنکور پرداخته می‌شد، بپردازند، کتاب حاضر جواب‌گو نیست و این ظرفیت را برای طرح سؤال‌های کنکور ندارد. مگر اینکه سؤال‌ها از ۵۰ تا ۶۰ درصد قبلی به درصد کمتری در کنکور کاهش یابند.

تفریحی: برخی از سؤال‌های کنکور، در تضاد با هدف درس دینی قرار می‌گیرند. هدف اصلی ما به عنوان معلم این است که در دانش‌آموز نسبت به دین علاقه ایجاد کنیم. برای مثال، در کنکور سؤالی طرح می‌شود که دانش‌آموز برای پاسخ به آن باید آیه را از حفظ داشته باشد. وقتی دانش‌آموز با چند سؤال از این دست در کنکور مواجه می‌شود، نسبت به درس دینی بدبینی پیدا می‌کند. می‌توان نتیجه گرفت که: سؤال‌های کنکور ورود به دانشگاه‌ها، با محتوای کتاب‌های درسی مدارس هم‌خوانی ندارند. زیرا سؤال‌هایی که در کنکور طرح می‌شوند، با محفوظات دانش‌آموزان ارتباط دارند. در حالی که هدف مؤلفان کتاب‌های دین و زندگی و هدف معلمان در آموزش این کتاب‌ها به دانش‌آموزان، تقویت قدرت استنباط دانش‌آموزان است. لذا کنکور به ضرر این درس تمام می‌شود.

بسطامی: بنده تیتروار عرض می‌کنم:
۱. استناددساز سؤالات کنکور مطرح است که از سال ۱۳۹۴ به بعد سعی شد این کار به ترتیب در رشته‌های علوم تجربی، علوم ریاضی و بعد در رشته علوم انسانی انجام شود.
۲. برخی از مؤسسه‌ها، هدفمند و با برنامه

کار می‌کنند، ولی آموزش‌وپرورش نمی‌تواند هدفمند عمل کند. در حالی که در سال‌های اخیر تألیف و چاپ کتاب‌های کمک‌آموزشی و تستی کنکور درخور توجهی در سطح متوسطه نظری از «انتشارات مدرسه» دیده نشد و هر سال هم ضعیف‌تر می‌شود.

۳. تکنیکی بودن کتاب‌های کمک‌آموزشی، دانش‌آموزان را برای فهم تکنیک آن هدایت می‌کند، لذا استفاده از این کتاب‌ها برای بچه الزام‌آور می‌شود. زیرا صرف علم و سواد دانش‌آموز کفایت کار را نمی‌کند.

۴. بین اهداف کلان نظام آموزشی کشور که در آموزش‌وپرورش تجلی دارد، با سازمان سنجش و مؤسسه‌های کنکور تفاوت ساختاری وجود دارد. همان‌طور که همکاران گفتند، هدف برنامه درسی این است که دانش‌آموز محتوا و مفاهیم را درک کند، ولی به دلیل کنکور، دانش‌آموز و اولیای او به شدت تحت تأثیر مؤسسه کنکور و سازمان سنجش قرار دارند. آنان از معلم می‌خواهند بر همین اساس بچه‌ها را هدایت کند.

۵. تغییراتی در کتاب‌های درسی دین و زندگی به وجود آمدند تا محدودیت‌هایی را مثلاً در زمینه آیات برای مؤسسه‌های کنکور به‌وجود آورند و از پیچش و تناسب آیات و مفاهیم که دانش‌آموز را درگیر می‌کند، کاسته شود. یا برخی از مفاهیم، مانند توحید ذاتی و افعالی و... چند دوره است که از کتاب‌های درسی حذف شده‌اند، اما هنوز در کتاب‌های مؤسسه‌های کنکور از آن‌ها استفاده می‌شود. زیرا این مؤسسه‌ها هدف کاملاً اقتصادی و مالی دارند، می‌خواهند کتاب‌های خود را خیلی غنی و بسیار نزدیک به سؤالات کنکور نشان دهند. این کار را می‌کنند و محفوظات بچه‌ها را بالا می‌برند و دانش‌آموز هم به آن‌ها احساس نیاز پیدا می‌کند. زیرا با کنکور ارتباط بیشتری دارد. بدین ترتیب می‌خواهند آموزش‌وپرورش را تسلیم سیاست‌ها و برنامه‌های خود کنند و البته نیروهایی در سازمان سنجش نیز به آن‌ها مدد می‌رسانند. باید برای این مسائل فکری کرد، زیرا تا کنکور باشد، همه با این معضلات درگیرند.

● اگر سخن پایانی دارید بفرمایید:

محمدی: درس دین و زندگی رسالت بزرگی

به دلیل کنکور، دانش‌آموز و اولیای او به شدت تحت تأثیر مؤسسه کنکور و سازمان سنجش قرار دارند. آنان از معلم می‌خواهند بر همین اساس بچه‌ها را هدایت کند

دارد. جامعه از این درس و معلمان آن توقع دارد که دانش‌آموزانی با ادب، خوش‌رفتار و خوش‌کردار تحویل جامعه بدهند. اما در وضعیت کنونی جامعه، توقع بجایی نیست. به دلیل عواملی که عرض می‌کنم:

۱. همکاران ما در مدرسه مشکلات فراوان دارند که نمی‌توانند به رسالت خود عمل کنند.

۲. مشکل دیگر، محتوای کتاب درس دین و زندگی است. بیشترین نکات از آیات و حدیث هستند. ما احترام خاصی برای آیات و احادیث قائل هستیم و وظیفه داریم که تابع آیات و احادیث باشیم. اما به نظر بنده، زیاده‌روی کرده‌اند. درس دین و زندگی باید فلسفی و تعقلی باشد. در حال حاضر بیشتر رنگ تعبدی دارد. کار دانش‌آموز این شده است که تشخیص بدهد، حدیث از کدام امام است.

همکاران در طرح سؤال می‌پرسند که فلان حدیث از کدام امام است و در کنکور هم چنین سؤالی داریم.

۳. معلمان در راستای تغییر کتاب درسی دین و زندگی باید آموزش‌های اساسی ببینند. صرف آموزش‌های مجازی و کوتاه‌مدت ضمن خدمت کافی نیست. حتی اگر لازم باشد، باید روحانیون بزرگوار و عالم، و دبیران باتجربه، اثرگذار و صاحب‌نظر برای تدریس دعوت شوند.

۴. دبیران ما در مدرسه زحمت خود را می‌کشند و با تمام نارسایی می‌سازند. ولی در محیط خانواده‌ها معضلاتی داریم، مثل اعتیاد، طلاق، فقر، بی‌سوادی و برنامه‌های آن‌چنانی تلویزیون که تحقق اهداف دین و زندگی را با موانع روبه‌رو می‌کنند.

۵. جامعه نیز مانع دیگری است.

ما به‌عنوان مؤلف کتاب درسی و به‌عنوان معلم چه کار می‌توانیم بکنیم؟

اسلامی: بنده مواردی را برای یادآوری و گاهی به‌صورت سؤال یادداشت کرده‌ام که می‌خوانم تا حرف پایانی بنده باشد:

۱. در صفحه ۹ کتاب آمده است: «آیا دستگاه تفکر انسان به تنهایی می‌تواند به این سؤال‌ها پاسخ کامل و جامع دهد؟ چرا؟» دانش‌آموز می‌پرسد: دستگاه چیست؟ باید از واژه‌هایی استفاده کرد که دانش‌آموز متوجه شود.

۲. در همین صفحه ۹ در قسمت شیوه‌ی هدایت

خداوند آورده‌اند که: خداوند هر مخلوقی را متناسب با ویژگی‌هایی که در وجودش قرار داده است، هدایت می‌کند. اما آیه‌ی مربوط ذکر نشده یعنی آیه ۵۰ سوره طه، و مطلب غیرمستند و بی‌معنی شده است.

۳. درباره‌ی فطرت مشترک، منشأ دین واحد، و ارتباط بین فطرت و روح انسان و نفس در صفحه ۱۸، باید با توضیح بیشتر و دقیق‌تر بیاید. درباره‌ی ارتباط بین دین و مذاهب مختلف هیچ نکته‌ای حتی برای مطالعه نیامده است.

۴. در صفحه ۵۰ کاش برای واژه طاعت مصداق قرآنی بیان می‌شد. اگر در پانوشت بیاید، کفایت می‌کند. در مورد مطلب صفحه ۵۰ می‌پرسند: اگر خداوند عصمت را از همان ابتدا برای پیامبران قرار داده و اجباری است، چه نیازی وجود دارد که ویژگی آن‌ها باشد. آیا عصمت درجات و مراتب دارد؟ (شبه عصمت)

۵. در مورد مطلب صفحه ۶۶ می‌پرسند: آیا «حدیث جابر» که مکمل آیه «طاعت» است و آینده‌نگری پیامبر اکرم (ص) را می‌رساند، معجزه آن حضرت به حساب می‌آید؟ زیرا زمانی که هیچ امامی نبوده است اسامی آنان را ذکر می‌کند.

۶. در مورد مطلب صفحه ۸۴ می‌پرسند: حدیث «علی مع الحق و الحق مع علی» به عصمت اشاره دارد یا عدالت؟

۷. با توجه به مطلب صفحه ۱۲۶ و پاورقی صفحه ۱۳۰، تفاوت بین عروج و غیبت به توضیح نیاز دارد.

۸. با توجه به مطلب صفحه ۱۲۵، درباره‌ی چگونگی تولد حضرت مهدی (عج) و به‌ویژه درباره‌ی مادر آن حضرت، سؤال‌های زیادی می‌شود. لازم است حداقل در پانوشت توضیح لازم بیاید.

۹. در کل صفحه ۱۶۱ هیچ توضیحی درباره‌ی عنوان «خودعالی و خوددانی» وجود ندارد. درباره‌ی سؤال این صفحه که «ریشه این تمایلات در وجود انسان چیست؟» توضیحات مندرج، پاسخ این سؤال را نمی‌دهند.

۱۰. در صفحه ۱۷۴، درباره‌ی وظایف رهبر در جامعه اسلامی، از قرآن و روایات نکاتی را آورده‌اند، ولی هیچ مصداقی از آیه و روایت در متن یا پانوشت نیامده است که این نقص باید برطرف شود.

● از شما بابت شرکت در این گفت‌وگو تشکر می‌کنیم.

درس دین و زندگی باید فلسفی و تعقلی باشد. در حال حاضر بیشتر رنگ تعبدی دارد. کار دانش‌آموز این شده است که تشخیص بدهد، حدیث از کدام امام است